

ناصر هادیان در گفت و گو با «ایران»: دوگانگی در رفتار ترامپ هم فرصت‌ها و هم تهدیدهایی را متوجه ایران می‌کند

ثانیه‌های آخر تعامل گزینشی؟



نتیجه بخشی مذاکرات تهران و واشنگتن فارغ از یک فرایند دیپلماتیک مستقیم و جامع ممکن نیست. این خوانش ناصر هادیان، استاد دانشگاه و صاحب‌نظر مسائل سیاست خارجی از روندهای جاری دو کشور ذیل تنش بر سر پرونده هسته‌ای است که در گفت‌گویی پیش رو از نادرستی سیاست «حل مسأله موردی» میان ایران و آمریکا می‌گوید و حاصل آن را چیزی جز تضاد بحران نمی‌داند. به اعتقاد او در جهان انتزاعی «دونالد ترامپ» فقدان مفاهیمی چون «نظم جهانی» یا «چندجانبه‌گرایی» پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌هایی را به همراه دارد که هر بده بستانی با سیاستمدار ماجراجوی کاخ سفید جز از طریق لحاظ این گزاره ممکن نمی‌شود. مصاحبه با هادیان از نظر می‌گذرد.

ورود به جنگ ندارد اما باز در همین هم نمی‌توان کاملاً مطمئن بود. بنابراین ترامپ و اطرافیان‌ش فاقد تفکر استراتژیک هستند. رئیس‌جمهوری در آمریکا قدرت را در دست دارد که در تصمیم‌گیری‌های خود به منافع شخصی توجه دارد و هیچ درکی از مفاهیمی مانند نظم جهانی یا چندجانبه‌گرایی ندارد و اینها برای او مفاهیم انتزاعی هستند. ترامپ چندجانبه‌گرایی را به اشتباه به عنوان فرصتی برای سوءاستفاده دیگر کشورها از آمریکا تعبیر می‌کند و نقش نهادهایی همچون ناتو را در ایجاد نظم جهانی و تأمین منافع آمریکا نمی‌فهمد. نگاه او به امنیت جهانی صرفاً تجاری است و تلاش می‌کند امنیت را به عنوان یک کالا با قیمت بالا به دیگر کشورها بفروشد.

البته این را هم بگویم این رویکرد ممکن است برای ما فرصت‌هایی ایجاد کند، به این خاطر که با مدیریت هوشمندانه می‌توانیم از رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی او بهره ببریم.

خارجی او مشهود است، فقدان تفکر منسجم و استراتژیک در تحقق خواسته‌هایی است که در کانون آن، شعار «اول آمریکا» را مطرح کرده است.

پس باید توجه کرد که شعار ترامپ «ساختن دوباره آمریکا» است نه «ساختن آینده». از این نظر، وعده‌های او مبهم و بدون ترتیبات و جزئیات اجرایی است؛ از ادعاهای او درباره حل ۲۴ ساعته بحران اوکراین گرفته تا ایده‌اش درباره غزه بدون اینکه راهکاری مشخص ارائه دهد. اما این را باید در نظر گرفت او دارای قدرت هم است که نباید از آن چشم‌پوشی کنیم. عنصر غیرقابل پیش‌بینی بودن، برای او تبدیل به امتیازی شده که هم مزایا و هم معایب خودش را دارد. ترامپ نظم جهانی را از دریچه‌های ساده‌انگاره و بر مبنای منافع شخصی خود می‌بیند، پیچیدگی‌های دیپلماسی و همکاری‌های چندجانبه، امنیت و سیاست خارجی را به نوعی معامله تجاری تقلیل می‌دهد. ترامپ تمایل چندانی برای

نظرات متفاوتی درباره رویکرد دولت دوم ترامپ مطرح است. یک نظر بر این است که ترامپ با دور اول خود تفاوتی نکرده و بر وجه معامله‌گری او تأکید می‌شود در نگاه مقابل ترامپ متفاوت از دوره نخستش تعریف می‌شود و به سیاست‌های تهاجمی و توسعه طلبانه ارضی که او در پیش گرفته اشاره می‌کنند. اساساً دکتترین ترامپ ۲ در سیاست خارجی چیست؟ اگر بشود رویکرد رئیس‌جمهوری آمریکا را دکتترین نامید. شعار ترامپ «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» (Make America Great Again) بود؛ تأکید او بر عبارت «دوباره» اهمیت بسیاری دارد. چرا؟ چون گذشته‌ای را ترسیم می‌کند که برای طرفدارانش خوشایند است و فرق بسیار معناداری با وضعیت کنونی ایالات متحده دارد. «دونالد ترامپ» در شرایطی که کاخ سفید بازگشته که سیاست خارجی آمریکا، با پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های بیشتری همراه است. مسأله‌ای که در سیاست